

Quarterly Scientific Journal of Human Resources &
Capital Studies

Online ISSN: 2783-3984

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1568>

<http://civilica.com/1/87979/#>

<http://magiran.com/8116>

**Creative teaching methods and empowerment
of student human resources**

Robab Sattari

Master of Educational Sciences, Preschool Education

Date of receipt: 27/02/1401

Date of acceptance: 21/03/1401

Review

Purpose: This article studies creative teaching methods and students' empowerment so that see students as human resources. In this article, creativity and creative teaching methods are defined and described. The necessity of nurturing creativity in students, effective factors in creativity, creativity barriers, and creative students' characteristics has also been stated. The creativity of learners is one of the most important goals of education practitioners.

Research Method: The methodology used in this study examines the qualitative and descriptive analytical method.

Research paradigm: This paradigm is an interpretive study. The structuralist or harvesting is called Grahm, believing that the reality is nothing 'out of here' and can be clearly explained. Reality and knowledge are created and reproduced through communication and practice, and knowledge is obtained by the researcher.

Analysis of the Findings: The findings of this article show that the results of this study can be an appropriate context to enhance and expand the spirit of innovation, innovation, and creativity.

Results: The teacher as the creator of students 'learning conditions and facilitator can be through convergence, modernization, flexibility, lack of coercion to maintain and accumulate mental, humor, avoiding strategies and methods of teaching, creating students' awareness, and creating conditions increasing their self-esteem, stimulating the curiosity of learners, and finally building education to educate creative and nurturing creativity in children and adolescents.

Keywords: Teaching, Creativity, Students, Human Capital

روشهای تدریس خلاقانه و توانمندسازی سرمایه های انسانی دانش آموز

رباب ستاری

کارشناسی ارشد، علوم تربیتی-آموزش و پرورش پیش دبستانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱

چکیده :

هدف تحقیق: این مقاله به مطالعه روش های تدریس خلاقانه و توانمندسازی دانش آموزان می پردازد بطوری که دانش آموزان را سرمایه های انسانی می بیند. در این مقاله خلاقیت و روشهای تدریس خلاقانه تعریف و تشریح شده است. همچنین ضرورت پرورش خلاقیت در دانش آموزان، عوامل مؤثر در خلاقیت، موانع خلاقیت و ویژگی های دانش آموز خلاق بیان شده است. آموزش خلاقیت یادگیرندگان یکی از مهم ترین اهداف دست اندرکاران آموزش و پرورش است. روش تحقیق: متدولوژی بکارگیری شده در این مطالعه کیفی و با روش تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار می دهد. پارادایم تحقیق: پارادایم این مطالعه تفسیری است. ساختارگرایان یا برداشت گراهم نامیده میشود، معتقد است که واقعیت چیزی "خارج از اینجا نیست" و می توان به روشنی آن را توضیح داد. واقعیت و دانش از طریق ارتباطات و تمرین، ایجاد و بازتولید می شوند و دانش به واسطه پژوهشگر به دست می آید. تحلیل یافته ها: یافته های این مقاله نشان می دهد که نتایج این پژوهش می تواند بستری مناسب برای تقویت و گسترش روحیه ابتکار، نوآوری، و خلاقیت است. نتایج: آموزگار به عنوان خالق شرایط و تسهیلگر یادگیری دانش آموزان می تواند از طریق همگرایی، نوگرایی، انعطاف پذیری، عدم اجبار دانش آموزان به حفظ و انباشت ذهنی، شوخ طبعی، پرهیز از راهبردها و روش های قالبی آموزش، ایجاد شرایط بروز آگاهی دانش آموزان و افزایش اعتمادبه نفس در آنان، تحریک حس کنجکاوی فراگیران و بالاخره توأم ساختن آموزش و پرورش به آموزش خلاق و پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان بپردازد.

واژگان کلیدی : روش تدریس، خلاقیت، دانش آموزان، سرمایه انسانی

مقدمه :

در این عصر از دانایی، خلاقیت و نوآوری به عنوان عناصر بی بدیل توسعه یاد می شود به گونه ای که حیات و نابودی وابسته به آنهاست. افراد دارای ویژگی های دانایی، ایده پرداز و یا نوآور به عنوان خلاق شناخته می شوند. خلاقیت اوج توانایی تفکر بشری است که توانسته است انسان را به مرحله پیشرفت و ترقی برساند و او را در حل تمام مسائل و مشکلات زندگی یاری دهد. نمونه های خلاقیت را می توان در نقاشی روی دیوار در زمان غارنشینان، خلق یک اثر هنری، ماشین آلات صنعتی و آشپزی و خیاطی و ... دید. روش تدریس راهی برای سازماندهی فعالیت های آموزشی و شناختی است. روش تدریس ویژگی های کار برای رسیدن به هدف مدنظر مطابق با قوانین آموزشی، اصول و قواعد، محتوا و اشکال آموزشی و همچنین روش های کار و تدریس معلم و کار آموزشی کودکان با توجه به خصوصیات و ویژگی های شخصی و حرفه ای معلم و شرایط فرآیند آموزشی دوره است (Khasanova, 2022). لذا خلاق بودن در این مسیر جزء لاینفک موضوع است. در حقیقت خلاقیت یک مفهوم انتزاعی و پیچیده است. اما ابهام در معنی و مفهوم کلمه به معنی پیچیدگی خود جریان خلاقیت نیست، زیرا خلاقیت را می توان به راحتی در زندگی روزانه حس کرد و آن را لمس کرد (گاردنر، ۱۹۹۳). اخیراً محققان و روان شناسان به بعد اجتماعی و محیطی آن توجه کرده اند و معتقدند که خلاقیت را نمی توان بدون توجه به ابعاد اجتماعی و محیطی آن بررسی کرد. به نظر استرانبرگ (۱۹۸۹) فرآیند خلاقیت در ذهن شخص با متغیرهای اجتماعی رابطه دارد. واقعیت این است که به خلاقیت نمی توان با تمرکز بر یک بعد نگریست. ابعاد فردی یا محیطی نمی تواند بیانگر ماهیت خلاقیت باشند. بلکه خلاقیت ازسویی نیز تابع نظام اجتماعی خلاق است. به همین دلیل خلاقیت هرگز نتیجه عمل فرد به تنهایی نیست.

آموزش مدرن باید الزامات توسعه جهانی را برآورده کند که شامل توسعه و به کارگیری روش های آموزشی نوآورانه است. Zheng Wang (2022) نتایج نظرسنجی نشان دهنده نیاز به پیاده سازی رویکردهای مدرن در برنامه های درسی است. تحقیقات بیشتر می تواند بر تأثیر فناوری های تعاملی نوآورانه مختلف بر اثربخشی آموزش نه تنها اجتماعی، بلکه سایر انواع رقص معاصر تمرکز کند. (همان)

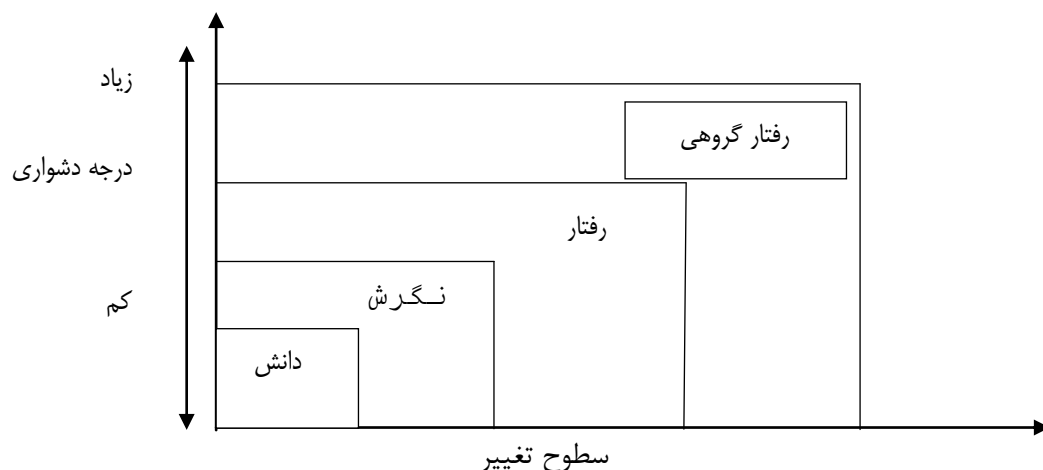
یکی از ابعاد محیطی-اجتماعی ایجاد و ارتقاء خلاقیت، محیط مدرسه می باشد. تورنس بیان می کند مسئله توسعه خلاقیت در نظام آموزشی رسمی بیشتر منحنی تحول آن در حدود ۱۰ سالگی افت می کند و سیر نزولی می یابد و نتیجه آن فقدان علاقه به یادگیری و افزایش مشکلات رفتاری و انگیزشی است. به قول تورنس عدم بروز این توانایی عموماً به نامناسب بودن روشهای تدریس مربوط می شود (پاکیزه، ۱۳۸۴).

در این میان معلمان نقش کلیدی را بر عهده دارند. معلمان می توانند با استفاده از انواع روشهای خلاق امکان ظهور خلاقیت در کودکان و نوجوانان را فراهم سازند. امروزه تمام کودکان دبستانی باید با واقعیت ها و مفاهیم علمی آشنا

شوند زیرا زندگی در عصر صنعتی بدون استفاده از یافته‌های علمی تقریباً غیرممکن است (داو^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). مهمترین عامل در امر یادگیری خلاق، نقش آفرینی معلم در پیاده سازی آموزش است و این معلمان هستند که محیط های یادگیری خوبی می‌سازند و لذا کیفیت کار معلم در رأس امور مربوط به آموزش و یادگیری خلاق است؛ به طوریکه تدریس مؤثر همواره به مثابه عنصر حیاتی امور یادگیری است و معلم در کلاس درس نیز می تواند به مثابه مدیر کلاس خود باشد، زیرا او مدیر فن یادگیری است و یادگیری زمانی مؤثر است که یکی از عوامل اصلی آن، که معلم است کارآزموده و با انگیزه و علاقه مند باشد تا بتواند در سایه تلاش برای آموزش بنیادی به انسانی ناآزموده با تکنیک های خود، امر یادگیری خلاق را تسهیل بخشد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

آموزش به منظور انتقال دانش برای معلمان خلاق در هزاره جدید مورد نیاز است. خلاق نه تنها در استفاده از رسانه ها مهارت دارد، بلکه در به کارگیری روش ها یا استراتژی های آموزش مناسب نیز مهارت دارد. روش خدمت برای انجام این فعالیت در قالب آموزش و ارزشیابی استفاده می شود. (Amiruddin, et al 2022) توانمندسازی دانش آموزان در عصر رشد تصاعدی اطلاعات امری ضروری اما پیچیده است که بازیگری آموزش آن هم توسط معلمین امری اجتناب ناپذیر است. آموزش به معنی فرایند یادگیری و یادگیری همان تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار فرد یا گروه است که از تجربه مستقیم یا غیرمستقیم فرد ناشی می شود. یادگیری یا معرفت پذیری از طریق ما گوناگون نظیر مشاهده، مصاحبه، دانش، بینش، استقرا، قیاس و الگو گیری از پدیده های طبیعی صورت می گیرد. یادگیری دارای سطوح مختلفی است. سطوح یادگیری و میزان دشواری آن در حالا به شکل مقابل نشان داده می شود:



سطوح یادگیری و میزان دشواری آن

تدریس خلاق در بستر آموزش و آموزش در گهواره یادگیری اتفاق می افتد. یادگیری زمانی اتفاق می افتد که تغییر در رفتار فردی یا گروهی صورت گرفته باشد. البته تغییر در دانش و نگرش مقدمه تغییر رفتار است. همچنین اصول (ارکان) یادگیری به شرح زیر است:

ضرورت یادگیری و انگیزه زایی: هر قدر انگیزه فرد بیشتر باشد عمق و کیفیت یادگیری افزایش می یابد، پس استفاده از ساز و کارهای مناسب و انگیزشی در جهت بهبود کیفیت آموزش امری ضروری است. بررسی ها نشان داد اگر چه نمی توان بر روی یک سری ویژگی ها به صورت عام و جهانشمول توافق نمود ولی به هر حال نمی توان خصوصیات فردی را برای تحقق خلاقیت نادیده گرفت؛ مهمترین ویژگی ها به شرح زیر است:

- وجود حالت ذهنی (تفکر) مثبت و الهام بخش
- ریسک پذیری و پذیرش ابهام
- دارا بودن مرکز کنترل درونی
- قوی بودن نیاز به توفیق طلبی و موفقیت
- تمایل به خلاقیت و نوآوری و داشتن روحیه خلاق (Berliner, D. C. (2001)
- مواجهه با فراز و نشیب های قابل توجه در زندگی شخصی
- دارا بودن روحیه شکست ناپذیری
- قدرت تصویرسازی از مفاهیم کلمات و ایده ها
- دارا بودن روحیه اعتماد به نفس (Applebee, A. N. (2000)
- دارا بودن بهره هوشی مناسب (از ۱۳۰ به بالا)
- دارا بودن شخصیت برونگرا و تمایل به برقراری ارتباط با دیگران
- سپری کردن دوران کودکی به صورت دشوار
- اهل کار و عمل بودن^۱
- آرمانگرایی^۲

از منظر محقق که سالهاست در صحنه آموزش حضور دارد شناخت جزئیات موضوع در امر تدریس خلاق موثر است. دارا بودن تفکر واگرا^۳ و همگرا^۴: تفکر واگرا به معنی تجزیه، شکافتن و باز کردن موضوع با پدیده مورد نظر به منظور شناخت تمامی ابعاد آن است در حالی که تفکر همگرا همانا ترکیب و چیدمان اجزا به صورت خلاقانه با هدف دستیابی به راه حل

های خلاق است. (طبرسا، ۱۳۹۵)

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کیفی است که با استفاده از روش کتابخانه ای و بررسی پیشینه پژوهش صورت گرفته است. این روش از سه مرحله به شرح زیر تشکیل شده است:

الف) شناسایی موضوع اساسی: در این مطالعه با در نظر گرفتن نیازسنجی و تعیین اهداف به عنوان شالوده تدوین برنامه درسی، فهم چستی نیازسنجی و هدف؛ ارتباط بین مبانی برنامه ریزی درسی آموزش عالی و نیازسنجی؛ جایگاه نیاز و در نهایت علت تنوع و تکثر الگوهای نیازسنجی به عنوان موضوعاتی که نیازمند کنکاش عمیق است، شناسایی گردید.

ب) بعداز شناسایی موضوع، جمع آوری داده ها در کتاب ها و مقالات مرتبط با موضوع مورد واکاوی قرار گرفت. تمامی مقالات از پایگاه مطالعات اسنادی جهان اسلام (ISC) و Google scholar جمع آوری گردید.

ج) تحلیل داده ها: تحلیل داده ها با استفاده از اسناد گردآوری شده و با تمرکز بر مسائل مرتبط با سوالات پژوهش صورت گرفت.

مبانی فلسفی روش پژوهش کیفی

پارادایم ها راه های ترجیحی درک واقعیت، ایجاد دانش و گردآوری اطلاعاتی درباره جهان می باشند. پارادایم پژوهش، بر اساس هستی شناختی^۱ (ماهیت حقیقت)، معرفت شناسی^۲ (ماهیت دانش)، ارزش شناسی^۳ (ارزش های مرتبط با حوزه پژوهش و نظریه پردازی)، یا روش شناسی^۴ (استراتژی هایی برای گردآوری و تحلیل داده ها) می تواند متفاوت باشد. پارادایم های مطرح در پژوهش های کیفی عبارتند از:

- پارادایم اثبات گرا
- پارادایم پسا اثبات گرا
- پارادایم تفسیری

• پارادایم انتقادی

• پارادایم پسا ساختارگرا

از آنجایی که پژوهشگران در پژوهش های خود از پارادایم های مختلفی استفاده می کنند، درک دلایل اولیه و دیدگاه هایی که این پارادایم ها را می سازند، دارای اهمیت است. (خنیفر، مسلمی، ۱۳۹۶)

پارادایم تفسیری؛ ساختارگرایان یا برداشت گراهم نامیده میشود، معتقد است که واقعیت چیزی "خارج از اینجا نیست" و می توان به روشنی آن را توضیح داد. واقعیت و دانش از طریق ارتباطات و تمرین، ایجاد و بازتولید می شوند و دانش به واسطه پژوهشگر به دست می آید. پژوهشگران تفسیری علاوه بر اینکه تلاش می کنند دنیا را از زاویه دید مشارکت کنندگان مشاهده کنند، انتخاب روش شناسی کیفی خود را نیز به عنوان یک تصمیم ارزشی و اخلاقی و مملو از واکنش های سیاسی و اخلاقی می دانند. (همان)

در این پارادایم به فعالیت انسان به عنوان یک واقعیت ملموس است که باید کشف شود توجه نمی شود، بلکه به عنوان یک متن در نظر گرفته می شود که می توان آن را خواند و تفسیر و بازسازی و تحلیل نمود. پژوهشگران با استفاده از روش علم تفسیری، توسط تصور تلقینی، تجربه، انگیزه ها و زمینه نویسنده و با شرکت در یک تحلیل دوره ای که بین متن داده ها و صحنه جایگزین به صورت متناوب انجام می شود، صحبت یا متن را بررسی می کنند.

آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت

وقتی از آموزش خلاقیت و تاریخچه آن صحبت می شود، با نام خالق انسان، عجین می گردد. او که انسان را خلاق خلق نمود و در گوهر وجودش کنجکاوای را نهاد، تا پدیده های گوناگون او را تحریک نموده و به پرسش یا کشف آن ترغیب شود، و همانگونه که خداوند نو آفرید و بر خویش آفرین گفت: *فَتَبَارَكَ «اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»* (مؤمنون، آیه ۱۴)؛ او نیز نو بیافریند و با دست یافتن به چرایی پدیده ها به خویشتن خویش و پروردگارش نزدیکتر گردد. آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت یکی از شیوه های نوین یادگیری است که توانسته است سطح دانایی و دانش را در جامعه بالا ببرد و جامعه ای که در آن گردش امور مبتنی بر دست آوردها، اطلاعات و شاخص های علمی باشد، جامعه دانش محور است که نمود آن در خیلی از جوامع امروزی آشکار است. Bereiter C., & Scardamalia M. (1987) تقریباً بیش از نیم قرن قبل از کاترین پاتریک آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت توسط والاس برای رفتار افراد خلاق طرح شده بود، والاس این شیوه را مورد آزمایش تجربی قرارداد. پس از آن کاری شبیه به این، توسط راسمن انجام شد. لمان در تحقیقات خود سعی در کشف ارتباط بین جنبه های کیفی و کمی رفتار خلاق داشت. این فعالیت ها در ایالات متحده آمریکا موجب شد تا مراکز مختلفی برای تحقیق پیرامون این مقوله به وجود آید. سپس پاول تارنس تحقیقات خود را در بررسی محیط و خلاقیت متمرکز نمود و کالوین تیلر در این زمینه به فعالیت پرداخت (سلطانی، ۱۳۸۴).

گذشته از این، جهت تشویق جوانان به تفکر غیرعادی و کسب شجاعت و جسارت در مطرح کردن ایده های نو و غیرمعمول هر ساله مسابقه ای به نام «المپیک نوآوران» برگزار می شود و برنده آن شخصی است که وسیله ساخته شده توسط او در عین حال که مفید است، از دیگران عجیب تر نیز باشد. در سرتاسر جهان امروز آموزش تفکر خلاقانه بخشی الزامی در برنامه آموزش برای کودکان شده است. درحقیقت اشتیاق هر فردی به موضوع و آموزش خلاقیت مشاهده می شود (رایز برگ، ترجمه والفی، ۱۳۷۸).

اما در نظام آموزش کشور ما از لحاظ خلاقیت نقصان وجود دارد؛ به طوری که هر چیز به صورت کلمات یا معادلات بیان می شود و عمدتاً ابزارهای بیان در اختیار دانش آموزان قرار می گیرند نه تفکر خلاق و لذا یادگیری و یاد دادن خلاقیت موضوعی است که متأسفانه توجه کسی را به خود جلب نمی کند و همچون اغلب مقوله های تعلیم و تربیت نوین خلاقیت نیز موضوعی فراموش شده است (افشار کهن، ۱۳۸۹).

پیشینه تحقیق

رشد و توسعه خلاقیت، وابسته به عوامل مختلف فردی و اجتماعی، مانند: هوش، خانواده، ویژگی های شخصیتی و... است. گر چه توانایی تفکر خالق، به طور بالقوه و به نحو فطری، در انسان به ودیعه نهاده شده، اما ظهور آن مستلزم آموزش و پرورش مناسب است (میرکمالی و خورشیدی، ۱۳۸۸).

ساعتچی (۱۳۷۶) نیز معتقد است مراحل متفاوت ذهن انسان خالق در راه دست یابی به ایده ها و راهکارهای خلاقانه شامل: مرحله نخست آمادگی، مرحله دوم ایده سازی، مرحله سوم راه حل آفرینی و مرحله چهارم ارزشیابی است. گرابنر (۲۰۰۷) علاوه بر عوامل فردی، عوامل محیطی را نیز از جمله عوامل تأثیرگذار بر خلاقیت می داند. هم چنین، محیط در برانگیختن افکار تازه سهم بسزایی دارد و در یک کلمه؛ تمامی فرایند خلاقیت را تحت تأثیر قرار می دهد.

تورنس (۱۹۸۹) معتقد است که انسان برای بقا و تداوم حیات سازمان ها در آینده، نیازمند بسط قدرت خالق در کودکان امروز است. وی معتقد است ایجاد فرصت برای پرورش خلاقیت برای هر جامعه به منزله مرگ و زندگی است. بدین سبب، اغلب جوامع مدت هاست برای شناسایی کودکان و نوجوانان خالق و استفاده از شیوه های آموزشی خالق، به برنامه ریزی های جدی پرداخته اند.

حسینی (۱۳۸۵) معتقد است، مؤثرترین روش های آموزش خلاقیت، روش هایی هستند که برای ایجاد انگیزه و فراهم کردن فرصت های یادگیری فعال به هر دو بعد شناختی و عاطفی انسان توجه دارند و آقازاده، (۱۳۸۲) خلاقیت را مرتبط با مجموعه ای از تواناییها و خصیصه های هر فرد می داند. همچنین تحقیقات انجام شده در این زمینه به شرح زیر نشان می دهد که: جاویدی (۱۳۷۳) در بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان نشان داد که بین جو عاطفی خانواده و خلاقیت دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. شریفی (۱۳۸۳) در بررسی رابطه خلاقیت و ویژگی های شخصیتی

دانش آموزان نشان داد که میان عامل شخصیتی از جمله انعطاف پذیری و خلاقیت دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

مفهوم خلاقیت

خلاقیت مفهومی است که مورد توجه فراوان روان شناسان به خصوص روان شناسان کمال قرار دارد و امروزه، همه محققان در این نظر متفق اند که اساس قدرت انسان ناشی «از خلاقیت» اوست؛ و اهمیت خلاقیت و نقش زیربنایی آن در کلیه مسائل زندگی بر همگان آشکار است. برخی صاحب نظران قائل به این تعریف هستند که خلاقیت کشفی ناگهانی است که این تعریف به مقوله کشف و شهود نزدیکتر است و برخی دیگر نیز قائل به این تعریف هستند که خلاقیت فرآیندی مدام و مستمر است؛ (Berliner, D. C. (2001) در عین حال، نیازمند زمینه و بستر اولیه نیز می باشد، این مداومت در وجود فرد نوعی بی قراری، تلاش و کنکاش ایجاد می کند تا بدان جا که از خود چیزهای تازه ای به ظهور می رساند. فرد خلاق، پذیرای اندیشه های تازه است، او محیطی را به وجود می آورد که در آن تجربه ها را می آفریند (اسچاتر^۱ و همکاران، ۲۰۰۶).

خلاقیت به معنای خلق و آفرینش اندیشه ها، ایده ها، افکار نو و بدیع، متفاوت نگرستن به امور، عبور از مرز دانسته های محدود به حیطه نادانسته های نامحدود و کشف و ابداع راه حل های جدید برای حل یک مسأله است. خلاقیت، تشخیص و بیان مسأله و ارائه راه حل های جدید برای آن است.

مهم ترین مسأله بعد از تشخیص خلاقیت در کودکان، حفظ و چگونگی پرورش آن است. باید انگیزه ذاتی خلاقیت، پرورش پیدا کند. بهترین روش برای حفظ خلاقیت در کودکان این است که به آنها کمک کنیم تا استعدادها و مهارت ها و علایقشان به یکدیگر مرتبط شود. درک و شناخت انگیزه درونی مرحله بسیار مهمی برای تشویق خلاقیت در کودکان است. باید زمینه ایجاد خلاقیت یعنی لذت و رضایت خاطر را در کودکان فراهم کنیم. یادآوری شایستگی ها و ایجاد استقلال برای تصمیم گیری در کودکان، موجب بروز خلاقیت در آنان می شود. کودکان از فعالیتهایی که احساس مسلط بودن به آن دارند، بیشتر لذت می برند و اگر احساس کنند که کار متعلق به آنهاست، بیشتر روی آن وقت می گذارند (هسو^۱، ۲۰۰۶).

خلاقیت^۱ به معنی توانایی و قدرت ارایه ایده های جدید و فکر نو می باشد و نوآوری^۲ همان عملیاتی نمودن ایده های جدید و به تعبیری اجرایی نمودن ایده های نو می باشد. از آنجا که بهترین ایده ها اگر در عالم واقع قابل پیاده سازی نباشد فاقد هرگونه ارزش عملی می باشند بنابراین خلاقی به تنهایی کافی نیست و به تعبیری هر خلاقیتی الزاماً به نوآوری منجر نمی شود لیکن لازمه نوآوری وجود خلاقیت است. به اختصار می توان خلاقیت را به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا یک چیز جدید تعریف نمود. (Berliner, D. C. (2001)

فرایند خلاقیت

خلاقیت یک فرآیند است بدین معنی که یک مجموعه اقدامات با ترتیب و توالی خاص باید رعایت شوند تا ارائه ایده های نو امکان پذیر شود. این فرآیند به شرح زیر است:

آمادگی_ نهفتگی_ بینش_ تحقیق و ممیزی

آمادگی نوعی برخورد فعال^۱ با موضوعات پیرامونی است که فرد را برای کوشش و تلاش مستمر به منظور ارائه ایده جدید آماده می کند. مک کله لند اشاره می کند در جوامعی که نیاز به موفقیت قوی باشد، ظرفیت ایجاد آمادگی برای طرح ایده های نو در مقایسه با جوامع فاقد این نیاز به مراتب بیشتر است. نهفتگی وضعیتی و حالت درونی است که شرایط برای تراوش، ریزش و ساری و جاری شدن فکر جدید که بعضاً می تواند ناخودآگاهم باشد فراهم می شود. بینش یا همان فکر جدید، محصول آمادگی و نهفتگی است که در قالب ایده نو که قبلاً وجود نداشته است ظاهر می شود. تحقیق و ممیزی مرحله آخر می باشد بدین معنی که ایده نو به محک آزمون و تجربه گذاشته شود و به تعبیری مورد بررسی و ارزیابی همه جانبه قرار می گیرد و پس از تایید برای اجرا به اطلاع مقامات عالی سازمان رسانده می شود زیرا اشاره شده هر فکر جدید الزاماً قابل پیاده سازی نیست.

برخی صاحب نظران فرایند خلاقیت را اولاً وجود و ایجاد نگرش مثبت برای طرح یا فکری جدید و سپس افزایش حساسیت افراد است و موضوع و فراهم ساختن زمینه ها و ابزارهای لازم را به عنوان مقدمه ای برای ایجاد ظرفیت در جمع آوری، طبقه بندی، تلخیص و نتیجه گیری فکر جدید تلقی می نمایند. طی فرآیند فوق در نهایت به درخشش یا طرح یکبارگی ایده یا فکر جدید منجر خواهد شد.

برای اینکه بتوانیم نیروی کار خلاق را در سازمان پرورش دهیم باید از طریق پنج سازوکار زیر اقدام نماییم:

- ۱- شفاف سازی و تبیین فرایند انجام و یا وظایف (اجتناب از کلی گویی وظایف افراد)
- ۲- هدف گذاری اثربخش و موثر
- ۳- شناخت تفاوت های فردی به ویژه تفاوت های انگیزشی و نگرشی افراد
- ۴- استفاده از ساز و کار ارائه پاداش مهم و با ارزش به افراد به گونه ای که پاداش که متناسب با سطح نیاز غالب افراد باشد.

۵- استفاده از اقدامات انضباطی نظیر ساز و کار تنبیه پوزش و تذکر

شفاف سازی فرایند انجام کار نیز از طریق پنج ساز و کار به شرح زیر صورت می گیرد:

- تجزیه و تحلیل شغل یا کار شکاف کافی
- ساخت بخشیدن و منسجم ساختن وظایف کاری

- طراحی و استقرار سازوکارهای کنترلی در کار
- به کارگیری و انتخاب افراد شایسته برای انجام کار
- فراهم آوردن منابع، مواد، منظومات و ابزارهای مورد نیاز برای انجام کار

موانع فراروی خلاقیت

دستیابی به ایده های جدید همواره مواعی وجود دارد که مهمترین آن مواعی مربوط به خود انسان است. هرچند محیط و عوامل آن می توانند مانع بروز خلاقیت شوند ولی از آنجا که عوامل محیطی تحت کنترل سازمان نیستند طبیعی است مدیران برای رفع مواعی خلاقیت آن دسته از عوامل را در کانون توجه قرار دهند که امکان برطرف کردن آنها میسر باشد. مهمترین مواعی انسانی فراروی خلاقیت عبارتند از:

- ۱- فقدان اعتماد به نفس: یعنی فرد توانایی ادراک شده خود را پایین ارزیابی کند.
- ۲- ترس از شکست: افرادی که از شکست هراس دارند هیچ گاه وارد حیطه ناشناخته و مبهم نمی شوند درحالی که خلاقیت و نوآوری همواره در فضاها و حفره های ناشناخته بازار میسر می شود.
- ۳- تمایل به هم رنگی با جمع: افرادی که همواره علاقمند به حرکت در پناه جمع یا گروه هستند. پس از مدتی شیوه تفکر و اندیشیدن گروه بر آنها غالب می شود و پدیده تک تفکری^۱ در سازمان شکل می گیرد.
- ۴- فقدان تمرکز ذهنی: افرادی که ذهن مشوش و پراکنده دارند و قدرت ورود عمیق و آگاهانه به یک موضوع را دارا نیستند. امید به ارائه ایده های نو از سوی آنها خیالی بیش نیست و نباید از این افراد انتظار گوهر شب چراغی را داشته باشیم تا در تاریکی و ناشناخته ها ایده ها و راه حل های الهام بخش را ارائه نمایند.
- ۵- عدم تمایل به تغییر: افرادی که همواره به دنبال حفظ وضع موجود هستند به آنچه دارند بسنده می کنند، آرمان گرایی و حرکت های بلند پروازانه در برنامه کاری آنها نیست. غلبه این افراد بر یک محیط (خواه آموزشی یا صنعتی ویا...) باعث می شود الگوهای تقلیدی به جای خلاقانه راحت تر پذیرفته شود.

شیوه تفکر در خلاقیت

به نظر محقق اندیشیدن و آموختن آن در دانش آموزان حائز اهمیت است چراکه دانش آموزان خلاق هستن و مطالبه گر لذا خلاقیت ارتباط مستقیم با تفکر و اندیشه دارد و در ترسیم آینده آنها نقش آفرینی نافی دارد. در ادامه شیوه های تفکر در خلاقیت مطرح و به اختصار توضیح داده می شود:

- ۱- شیوه تفکر خلاق: شیوه ای که ذهن عمیقاً وارد مسئله می شود و به تدریج با موضوع مدنظر همسویی میکند.
- ۲- شیوه سببی یا علی: در این روش ذهن با ریشه یابی علل و وقایع، حوادث، رخدادها و پدیده ای به خلاقیت می رسد. استفاده از این شیوه پس از وقوع یک فعالیت یا رخداد خلاقانه موضوعیت پیدا می کند.

۳- روش قیاسی^۱: در این روش در قالب از کل به جز رسیدن خلاقیت حاصل می شود، مثلاً از آنجا که تمامی موجودات زنده نهایتاً از بین می روند نتیجه گرفته می شود که انسان هم به عنوان یک موجود زنده می میرد.
۴- روش استقرار^۲: در این روش ذهن با استفاده از تعمیم جز به کل به خلاقیت می رسد، یعنی یک ویژگی و خصوصیتی از یک جز شناسایی و به کل تسری می یابد و از این طریق خلاقیت حاصل می شود.
۵- روش قضاوتی - تحلیلی: در این روش با استفاده از مدل های کلاسیک یا عقلایی که مشتمل بر طی کردن مجموعه ای از یک سلسله اقدامات با ترتیب و توالی خاص می باشد ذهن به خلاقیت می رسد.

روش های ایجاد خلاقیت

۱- روش طوفان (تحرک) مغزی^۳

همانطور که قبلاً اشاره شد این روش برای فعال سازی گروهی به منظور دستیابی به کمیت بیشتر نظرات و ایده هاست و بدون آگاهی قبلی به یکباره از افراد خواسته می شود که نظرات خود را پیرامون موضوع مطروحه در جلسه بیان نماید.

۲- روش گروه اسمی^۴

این روشی برای ایده یابی خلاق است که افراد مستقل از هم ولی در کنار یکدیگر بر روی موضوع مورد نظر کار می کنند و نظرات خود را بر روی کاغذ می نویسند یعنی از تکنیک های رایج در این شیوه تکنیک ۵-۳-۶ است که شش نفر دور هم جمع می شوند و از هر نفر خواسته می شود که سه ایده جدید را ارائه و آنگاه ایده های خود را به اطلاع پنج نفر دیگر برساند در این صورت هر نفر با ۱۵ ایده یا زنجیره از ایده ها و افکار جدید آشنا می شود و با ترکیب، تجمیع، حذف، اضافه و تغییر و توالی بتواند ایده جدید را ارائه کند.

۳- روش الگوبرداری از طبیعت^۵

تقلید و الگوبرداری از طبیعت و پدیده های طبیعی یکی از روش های ایجاد خلاقیت است که بسیار رایج و ملموس است. مثال هایی مانند مشاهده پرواز پرنده ها و اختراع هواپیما یا مشاهده کارکرد مغز و طراحی رایانه و هوش مصنوعی نمونه هایی از روش خلاقیت به شیوه الگوبرداری از طبیعت هستند.

۴- روش های ارتباط اجباری^۶

^۱ .duction

^۲ .induction

^۳ .brainstorming

^۴ .group nominal

^۵ .bionics

^۶ .forced association

در این روش بین دو گروه از پدیده ها که هیچگونه وجه تشابهی ندارند ارتباط اجباری برقرار می شود و پس از برقراری ارتباط اجباری بین آنها، از افراد خواسته می شود که ایده های جدید را ارائه کنند. لازم به ذکر است در ابتدای جلسه، اعضا در ارتباط با جلسه و هدف از برقراری ارتباط اجباری بین دو پدیده ای که اساساً با هم مانوس نیستند (مثلاً نمی تواند دستیابی به تولید کالای جدید باشد) توجیه می شوند.

تأثیر ارزشیابی توصیفی در بروز رشد و خلاقیت دانش آموزان

از جمله اهداف و ضرورت های ارزشیابی، مشخص کردن سطح توانایی ها و آمادگی دانش آموزان برای یادگیری و برنامه ریزی به منظور جبران نارسایی ها و کاستی های مربوط به پیش دانسته های دانش آموزان، انتخاب روش تدریس مناسب، شروع مناسب فعالیت های یادگیری-یاددهی، ایجاد اعتماد به نفس در دانش آموزان، ایجاد خلاقیت، شناسایی نقاط قوت و ضعف دانش آموزان در جریان تدریس و پرورش روحیه ی تحقیق تفکر و ابتکار است.

معلمین در طرح ارزشیابی توصیفی، با ایجاد جوی صمیمی و مطمئن در کلاس درس فضایی مساعد را برای رشد در ارزشیابی توصیفی، یادگیری تفریحی مهم است. کودکان در کلاس تشویق می شوند که علایق، تجارب و ایده های خود را به کلاس درس بیاورند و اجازه دارند درباره هدفهای کار روزانه خود با معلمان بحث کنند. به آنها استقلال کاری داده می شود تا کلاس درس، خودداری می کنند بلکه جوی را در کلاس ایجاد می کنند که دانش آموزان در انجام وظایف به همدیگر کمک کنند، در ایدهها با هم سهیم شوند و به نتیجه نهایی کارافتخار کنند و این یعنی خلاقیت (سولهو^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۶).

عوامل مؤثر در پرورش و توسعه خلاقیت دانش آموزان مدارس ابتدایی در بعد رفتار معلم در کلاس

درس

- آمادگی معلم در ارایه مطالب درسی
- تخصص معلم در رشته تحصیلی خود
- نظم و انضباط معلم در کلاس درس
- شناخت معلم از دانش آموزان
- روابط منطقی معلم با دانش آموزان
- میزان علاقه مندی معلم به تدریس
- علاقه مندی معلم به ابعاد مختلف رشد دانش آموزان
- ارزیابی مستمر آموخته های دانش آموزان
- نحوه ارایه آموزش و تسلط بر درس

- تسلط معلم بر الگوهای نوین تدریس
- شناخت معلم نسبت به مواد درسی که تدریس می کند
- آراستگی ظاهری و جذابیت معلم
- روابط عاطفی معلم با دانش آموزان
- میزان انگیزه معلم در تدریس

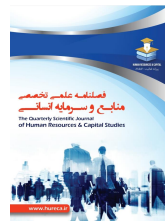
عوامل مؤثر در پرورش و توسعه خلاقیت دانش آموزان مدارس ابتدایی در بعد پشتکار دانش آموز

- تلاش برای تقویت روح مطالعه و کتابخوانی
- تلاش برای کسب یادگیری خالق
- تلاش برای کسب یادگیری اصیل و عمیق
- تلاش برای مناسب نمودن محتوا با فهم خود
- تلاش برای تقویت عزت نفس
- تلاش برای خویشتن پنداری مثبت و خود باوری
- تلاش برای پیوند دادن میان آموخته های قبلی و جدید
- احترام نسبت به تالش دیگران
- تلاش برای برقراری ارتباط با مدرسه و والدین
- تلاش برای تقویت اعتماد به نفس
- تلاش برای تقویت قدرت تصمیم گیری
- تلاش برای ارتباط مؤثر با دانش آموزان

عوامل مؤثر در پرورش و توسعه خلاقیت دانش آموزان مدارس ابتدایی در بعد علاقه مندی دانش

آموز

- علاقه به تحصیل و رشته تحصیلی
- خوش اخالقی دانش آموز در کلاس درس
- میزان مطالعه دانش آموز
- معدل هرنیم سال تحصیلی دانش آموز



- معدل سال قبل تحصیلی دانش آموز
- نظم پذیری دانش آموز
- به کار گیری مطالب یادگرفته شده در موقعیت های واقعی زندگی توسط دانش آموز
- علاقه مندی دانش آموزان به اولیاء مدرسه
- علاقه مندی به معلمان
- علاقه مندی به هم کلاسی ها

عوامل مؤثر در پرورش و توسعه خلاقیت دانش آموزان مدارس ابتدایی در بعد روش های تدریس

- روش آموزش تقویت استقلال
- تعهد به اصلاح امور اجتماعی
- نقش الگویی معلم در کلاس از طریق تعهد به یادگیری
- تعهد به اصلاح امور فرهنگی
- شیوه حل مسایل اجتماعی

عوامل مؤثر در پرورش و توسعه خلاقیت دانش آموزان مدارس ابتدایی در بعد محتوای آموزش

- تناسب محتوا با رشد عاطفی دانش آموز
- با معنا و جذاب بودن، محتوا برای دانش آموز
- تناسب برنامه های آموزشی با رشد ذهنی دانش آموز
- تناسب محتوا با اهداف تعلیم و تربیت
- آموزش محتوا با انگیزه دانش آموز
- مفید و مناسب بودن محتوا برای دانش آموز

عوامل مؤثر در پرورش و توسعه خلاقیت دانش آموزان مدارس ابتدایی در بعد آموزش خلاقیت

- یادگیری چگونه دانستن به دانش آموز
- یاددادن روش آموزش کنترل خود و محیط به دانش آموز
- تقویت صبر و بردباری در دانش آموز
- یادگیری اصیل و عمیق به دانش آموز
- دادن آزادی عمل به دانش آموز
- تقویت خود ارزیابی در دانش آموز

- توجه به پویا و سازنده بودن آموزش
- آموزش راه های مقابله با استرس به دانش آموز
- توجه به اهمیت عقلانی در آموزش
- آموزش تقویت هوش عاطفی و اجتماعی به دانش آموزان
- وجود جو آزاد و غیر مستبدانه در آموزش
- آموزش چگونه با دیگران زیستن به دانش آموز
- توجه به جنبه های عاطفی آموزش
- آموزش خود راهبری به دانش آموز
- آموزش انعطاف پذیری به دانش آموز
- آموزش غنی سازی محتوا به دانش آموز
- آموزش چگونه ارزیابی میزان یادگیری به دانش آموزان
- آموزش روشهای تفکر به دانش آموزان

بحث و نتیجه گیری

یافته های تحقیق حاضر نشان داد که، عوامل مؤثر در پرورش و توسعه خلاقیت دانش آموزان مدارس ابتدایی عبارتند از:

۱- در بعد رفتار معلم در کلاس درس شامل:

آمادگی معلم در ارائه مطالب درسی، تخصص معلم در رشته تحصیلی خود، نظم و انضباط معلم در کلاس درس، شناخت معلم از دانش آموزان، روابط منطقی معلم با دانش آموزان، میزان علاقمندی معلم به تدریس، علاقمندی معلم به ابعاد مختلف رشد دانش آموزان، ارزیابی مستمر آموخته های دانش آموزان، نحوه ارائه آموزش و تسلط بر درس، تسلط معلم بر الگوهای نوین تدریس، شناخت معلم نسبت به مواد درسی که تدریس می کند، آراستگی ظاهری و جذابیت معلم، روابط عاطفی معلم با دانش آموزان و میزان انگیزه معلم در تدریس است.

۲- در بعد پشتکار دانش آموز شامل:

تلاش دانش آموزان برای تقویت روح مطالعه و کتابخوانی، کسب یادگیری خالق، کسب یادگیری اصیل و عمیق، تلاش برای مناسب نمودن محتوا با فهم خود، تقویت عزت نفس، تلاش برای خویشتن پنداری مثبت و خود باوری، برای پیوند دادن میان آموخته های قبلی و جدید، احترام نسبت به تلاش دیگران، تلاش برای برقراری ارتباط با مدرسه و والدین، تقویت اعتماد به نفس، تلاش برای تقویت قدرت تصمیم گیری و تلاش برای ارتباط مؤثر با دانش آموزان است.

۳- در بعد علاقمندی دانش آموز شامل:

علاقه به تحصیل و رشته تحصیلی، خوش اخلاقی دانش آموز در کلاس درس، میزان مطالعه دانش آموز، معدل هرنیم سال تحصیلی، معدل سال قبل تحصیلی، نظم پذیری دانش آموز، به کارگیری مطالب یادگرفته شده در موقعیت های واقعی زندگی توسط دانش آموز، علاقه مندی دانش آموزان به اولیاء مدرسه، علاقمندی به معلمان و علاقمندی به همکلاسی

هاست.

۴- در بعد روش های تدریس شامل:

روش آموزش تقویت استقلال، تعهد به اصلاح امور اجتماعی، نقش الگویی معلم در کلاس از طریق تعهد به یادگیری، تعهد به اصلاح امور فرهنگی، تعهد به اصلاح امور فرهنگی و شیوه حل مسائل اجتماعی است.

۵- در بعد محتوای آموزش شامل:

تناسب محتوا با رشد عاطفی دانش آموز، با معنا و جذاب بودن، محتواسازی برای دانش آموز، تناسب برنامه های آموزشی با رشد ذهنی دانش آموز، تناسب محتوا با اهداف تعلیم و تربیت، آموزش محتوا متناسب با انگیزه دانش آموز و مفید و مناسب بودن محتوا برای دانش آموز است.

۶- در بعد رفتار خانواده شامل:

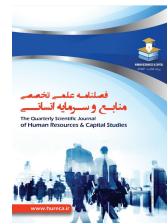
پیوند عاطفی و تعامل منطقی والدین با فرزند، تلاش خانواده برای دادن استقلال عمل به دانش آموز، تلاش خانواده بر فعال و خالق نمودن دانش آموز و تلاش برای جلوگیری از وابسته شدن دانش آموز به والدین است.

۷- در بعد محیط آموزش شامل:

موقعیت فیزیکی محیط آموزشی، جذابیت و جالب بودن محیط آموزشی، امکانات گوناگون موجود در محیط آموزشی، امکانات گوناگون موجود در محیط آموزشی، رفتار و نگرش حاکم در محیط آموزش، توجه به هوش اجتماعی در محیط آموزش، مناسب بودن و کافی بودن محیط آموزشی، وضعیت اجتماعی حاکم بر محیط آموزشی، مثبت و مفید بودن محیط آموزشی، جو حاکم بر محیط آموزشی، تکنولوژی آموزشی موجود در محیط آموزش، توجه به کار و آموزش گروهی در محیط آموزشی و ساختار منطقی حاکم بر محیط آموزشی است.

منابع

- اسدی، نسترن، (۱۳۸۹)، شناخت و آموزش خلاقیت در مدارس (فردا دیر است)، چاپ چهارم، تهران: عابد.
- افشار کهن، زهرا، (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر آموزش خلاقیت به معلمان بر خلاقیت دانش آموزان پایه اول ابتدایی استان خراسان در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹، پایان نامه کارشناسی ارشد گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- پاکیزه، علی، (۱۳۸۴)، بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی و خود پنداری دانشجویان شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- حسینی، افضل السادات، (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر برنامه آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت پیشرفت تحصیلی و خودپنداره دانش آموزان، مجله علمی-پژوهشی نوآوری های آموزشی، شماره ۶، دوره ۲۳.



Bogner, B., and Ibrakovic, V. (2009). Creativity in Teaching Plant Production. Educational Journal of Living Theories, 2(2): 232-256.

Coelho de Oliveira, L. M. (2006). Child Education and Creativity: The Perspective of The teachers. Thesis of doctorate, Psychology department, Campinas University, Sao Paulo, Brazil.

Dau Gaspar, O. (2011). The Teachers Creative Attitudes, an Influence Factor of The Student's Creative Attitudes. International Conference on The Future of Education, Florence, Italy, 16-17 June, 2011.

Debono, E. (1986). Lateral Thinking. London: Penguin Books.

Gardner, H. (1993). Creating Minds: An Anatomy of Creativity seen Through The Lives of Freud, Einstein, Picasso, Stravinsky, Eliot, Graham and Ghandi. New York: Harper Collins.

Hsu-Chan, K. (2006). The Development of Taiwan Creative Education Indicator (TCEI) and The Evaluation of The Creative Education Practice. Master's Thesis. Education Department, National Sun Yat-Sen University, Taiwan.

Hungies, S.K., and Changeiywo, J. M. (2009). Influence of Creativity Teaching Strategy on Student's Performance and Motivation in The Topic "Energy" in Secondary School Physics in Nakuru District, Kenya. Journal of Technology and Education in Nigeria, 14(2-1)

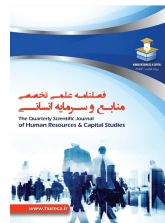
Morais, M. F., and Azevedo, I. (2011). What is a Creative Teacher and What is a Creative Pupil? Procedia - Social and Behavioral Sciences, 3(12): 330-339

Myrmel, M. K. (2003). Effects of Using Creative Problem Solving in Eighth Grade Technology Education Class at Hopkins North Junior High School Master's Thesis of Science Degree, Industrial /Technology Education, University Of Wisconsin - Stout.

Parker, J. (2008). The Impact of Visual Instruction on Student Creativity. Unpublished Doctoral Dissertation, Walden University.

Proctor, T. (1999). Creative Problem Solving for Managers. London: Routledge.

Schacter, J., Thum, Y., and Zifkin, D. (2006). How Much Does Creative Teaching Enhance Elementary School Student's Achievement? Journal of Creative Behavior, 40(1): 47-72.



فصلنامه علمی منابع و سرمایه انسانی، دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱
ISSN : 2783-3984

روشهای تدریس خلاقانه و توانمندسازی سرمایه های انسانی دانش آموز
کدمقاله: HRC-2205-1052

Shallcross, D. J. (1985). Teaching Creative Behavior: How to Teach Creativity To Children of All ages. New York: Bearly.

Tanjitanont, P. (2011). Using Synectic Technique for Developing Creative English Writing Proficiency. 1st symposium on Hands-on Research and Development, Chiang Mai, Thailand.

Torrance, E.P. (1988). The Nature of Creativity as Manifest in Its Testing. In R.J, Sternberg (Ed.). The Nature of Creativity (PP.43.47). UK: Cambridge University Press.

Vernon, P.E.(1989). Nature - Nature in Creativity. in Glover J.A and Others (eds.). Handbook of Creativity. New York: Plenum Press.

Weisberg, R.W.(1995).Creativity. NewYork: Temple University.